



جلسه: ۴۳  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

## سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلام

بحث در وظائف و اختیارات حکومت اسلامی در نظام اقتصادی اسلام قرار دارد که در این زمینه به ایجاد محدودیت‌های اقتصادی برای شهروندان پرداخته شد. متناسب با این وظیفه، وظیفه و اختیار دیگری برای حکومت اسلامی مطرح است که علاوه بر ایجاد محدودیت و ممنوعیت در نظام اقتصادی، حکومت اسلامی بتواند اعمال سیاست جزائی<sup>۱</sup> در نظام اقتصادی اسلام داشته باشد.

توضیح مطلب این است که در همه نظام‌ها، اصل وجود سیاست جزائی مسلم است. خلاصه سیاست جزائی این است که علاوه بر اعمال محدودیت و ممنوعیت، جرم‌انگاری و مجازات هم به عنوان پشتوانه اجرای آن محدودیت و ممنوعیت صورت می‌گیرد. به عنوان مثال اگر فعلی مانند شرب خمر از نظر شرعی حرام دانسته می‌شود، برای مرتکب آن مجازات در نظر گرفته شده باشد و از نظر قضائی نیز مرتکب آن مورد پیگرد قرار می‌گیرد تا مجازات آن اجرا شود. قرار دادن مجازات برای متخلف از قانون شرعی و حکومتی سیاست جزائی نامیده می‌شود. اصل وجود این سیاست جزائی در برخی از حیطه‌های نظام اسلامی روشن است که از آنها با عنوان حدود و تعزیرات یاد می‌شود که همگی سیاست‌های جزائی اسلام هستند، اما باید وجود داشتن سیاست جزائی در کنار محدودیت‌های اعمال شده در نظام اقتصادی نیز مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد که این سیاست جزائی، در همه حوزه‌ها و حتی در نظام اقتصادی هم وجود دارد و یا اینکه نظام اقتصادی دارای این سیاست نیست.

مطلب دیگر بررسی صغروی سیاست جزائی نظام اقتصادی اسلام است تا روشن شود که خود شارع در همه حیطه‌های نظام اقتصادی اسلام، سیاست جزائی را اعمال کرده و برای تخلفات اقتصادی، جرم‌انگاری کرده است یا اینکه در برخی از تخلفات، جرم‌انگاری را به حکومت اسلامی واگذار کرده است. در صورتی که جرم‌انگاری به حکومت‌ها واگذار شده باشد، جرم‌انگاری مواردی مانند قاچاق کالاهای خاص که توسط مجامع قانون‌گذاری صورت می‌گیرد، مشروعیت خواهد داشت.

مطلب سوم بررسی اجرای مجازات‌های تعیین شده است تا روشن شود که اجرای مجازات‌های تعیین شده به همه حکومت‌های اسلامی واگذار شده است و یا اینکه اجرای مجازات صرفاً به برخی از حکومت‌های خاص واگذار شده است. این سه بحث در راستای ایجاد ممنوعیت و محدودیت مطرح است.

## بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلام

بحث از وجود سیاست جزائی، دارای سابقه فقهی است و توسط فقها در بحث‌های مربوط به وجود حدّ و تعزیر برای گناهان مطرح شده است که شامل همه حوزه‌ها اعم از فرهنگی، اجتماعی و سایر جهات می‌شود، اما در بحث حاضر صرفاً نسبت به حکومت اسلامی در حوزه اقتصادی اعم از تولید، توزیع و مصرف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## اقوال

در مورد وجود مجازات برای تخلف از واجبات و محرمات الهی اقولی در بین فقها مطرح است:

۱- مطلقاً ترک همه واجبات و ارتکاب همه محرمات دارای مجازات است.

۱. علاوه بر تعبیر سیاست جزائی، تعابیر دیگری همچون سیاست جنائی و کیفری نیز در مورد این وظیفه و اختیار حکومت اسلامی به کار برده می‌شود. تفاوت داشتن یا نداشتن این عناوین باید در علم حقوق بررسی شود و در اینجا صرفاً اصل مسأله مورد بررسی قرار می‌گیرد.



جلسه: ۴۳  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

۲- صرفاً تخلف از واجبات و محرماتی که گناه کبیره محسوب شده، دارای مجازات است. به عنوان مثال ارتکاب زنا یا شرب خمر دارای مجازات است، اما نظر به اجنبیه دارای مجازات نیست.

۳- بین افراد متخلف تفصیل وجود دارد و کسانی که مرتکب گناه کبیره نشده باشند، نسبت به معاصی صغیره آنها مجازاتی تعیین نشده است. اما مرتکبین کبیره، حتی اگر یک گناه کبیره انجام داده باشند، نسبت به همه گناهان آنها اعم کبیره و صغیره مجازات وجود دارد.

### آدله قول اول مبنی بر وجود مجازات برای همه معاصی

در مورد وجود مجازات برای همه معاصی اعم از کبیره و صغیره و همچنین اعم از معاصی مربوط به حوزه‌های اجتماعی یا اقتصادی مانند تولید مشروبات الکلی، عدم پرداخت نفقه و واجب النفقه، سرقت و ... روایاتی مطرح شده است:

### الف: صحیحہ داود بن فرقد

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالُوا لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ - أَرَأَيْتَ لَوْ وَجَدْتَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلًا مَا كُنْتَ صَانِعًا بِهِ قَالَ كُنْتُ أَضْرِبُهُ بِالسِّيفِ قَالَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَاذَا يَا سَعْدُ - فَقَالَ سَعْدُ قَالُوا لَوْ وَجَدْتَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلًا مَا كُنْتَ صَانِعًا بِهِ فَقُلْتُ أَضْرِبُهُ بِالسِّيفِ فَقَالَ يَا سَعْدُ فَكَيْفَ بِالْأَرْبَعَةِ الشُّهُودِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص - بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِي وَعِلْمِ اللَّهِ أَنْ قَدْ فَعَلَ قَالَ إِي وَ اللَّهِ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَعِلْمِ اللَّهِ أَنْ قَدْ فَعَلَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا.<sup>۲</sup>

در این روایت نقل شده است که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سعد بن عبادہ سوال کرده‌اند که اگر مردی را در حال انجام عمل منافی عفت با همسرش مشاهده کند، چه اقدامی انجام خواهد داد؟ سعد بن عبادہ پاسخ داده است که آن مرد را با شمشیر به قتل خواهد رساند. در حالی که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سعد بن عبادہ در حال گفتگو بوده‌اند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کلام سعد را شنیده و می‌فرمایند: چهار شاهی که برای اثبات لازم است را چه می‌کنی؟ سعد سؤال می‌کند که آیا بعد از دیدن با چشم نیز نیاز به وجود چهار شاهد وجود دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: با اینکه با چشم خودت هم دیده باشی و خداوند متعال هم از این عمل اطلاع دارد، اما نیاز به چهار شاهد وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پایان کلام خود فرموده‌اند: خداوند متعال برای هر چیزی، حدی قرار داده است و هر کسی که از حدود اشیاء تعدی کند، خداوند متعال برای او حدّ قرار داده است.

در این روایت تعبیر «إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا» محل استناد قرار گرفته است؛ چون در آن بیان شده است که خداوند متعال برای همه اشیاء، حدّ و مرزی قرار داده است که این مطلب همان اعمال محدودیت برای افعال مسلمین است و لذا به عنوان مثال هیچ یک از مسلمین حق ندارد که دیگری را به قتل برساند و یا اینکه نمی‌تواند شرب خمر انجام دهد؛ چون تمامی افعال حتی آب خوردن نیز به همین صورت، دارای حدّ و حدود هستند و لذا نباید آب خوردن به صورت غصبی باشد. در بخش دوم این عبارت نیز بیان شده است که تعدی از مرزهای تعیین شده برای اشیاء، حد و مجازات به دنبال دارد.

۱. در کتاب من لایحضره الفقیه، به جای داود بن فرقد، داود بن ابی یزید به کار رفته است. من لایحضره الفقیه ۴: ۲۴.

۲. وسائل الشیعة ۲۸: ۱۴.



بنابراین برای تخلف از همه واجبات و محرمات الهی اعم از کبائر و صغائر و اعم از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فردی، جمعی و... جرم انگاری صورت گرفته است.

این روایت به لحاظ سندی صحیح است؛ چون همه راویان آن ثقة هستند. البته دو راوی با نام «داود» وجود دارد که یکی از آنها «داود بن ابی یزید» و دیگری «داود بن فرقد ابی یزید» است که ظاهر این است که دو نفر هستند، اما در عین حال مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ چون هر دو ثقة هستند. در نتیجه سند روایت با اشکالی مواجه نیست.

شیخ طوسی نیز این روایت را با اسناد خودش از حسین بن سعید نقل کرده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز به اسناد خودش از فضاله نقل کرده است. مرحوم برقی نیز این روایت را در کتاب محاسن از عمرو بن عثمان از علی بن حسین بن رباط از ابی مخلد نقل کرده است. البته سند مرحوم برقی دارای اشکال است، اما اشکالی ایجاد نمی‌شود؛ چون سند این روایت در کتب اربعه با مشکل مواجه نیست.

### ب: روایت علی بن حسن بن علی بن رباط

وَ عَنْهُمْ [محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ عَلَيَّ مِنْ تَعَدْيِ حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَدًّا وَ جَعَلَ مَا دُونَ الْأَرْبَعَةِ الشُّهَدَاءِ مَسْتَوْرًا عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ.<sup>۲</sup>

مفاد این روایت، خلاصه روایت پیشین است و محتمل است که شیخ کلینی این روایت را تقطیع کرده باشد؛ یعنی از کتاب محاسن برقی استخراج کرده و بخشی از آن را نقل کرده باشد. تقطیع روایات و عدم اشاره به آن در برخی از نقل‌های شیخ کلینی وجود دارد و ایشان در برخی از نقل‌های خود، از روایات طولانی صرفاً چند خط را نقل کرده و اشاره ای به تقطیع نکرده اند. این مطلب از مشکلاتی است که در نقل‌های شیخ کلینی وجود دارد.

در این روایت اشاره شده است که خداوند متعال برای همه اشیاء حد و مرز قرار داده است و برای متخلفین از حدود اشیاء نیز حد و مجازات قرار داده است.

سند این روایت به جهت علی بن حسن بن علی بن رباط دچار اشکال است؛ چون توثیق او ثابت نیست.

### ج: روایت عمرو بن قیس

وَ عَنْ أَبِي عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلٍ عَنِ ابْنِ دُبَيْسِ الْكُوفِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ قَيْسٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا عَمْرُو بْنُ قَيْسٍ أَشَعَرْتَ أَنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ رَسُولًا وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَابًا وَ أَنْزَلَ فِي الْكِتَابِ كُلَّ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ جَعَلَ لَهُ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَدَّ حَدًّا إِلَى أَنْ قَالَ قُلْتُ وَ كَيْفَ جَعَلَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَدَّ حَدًّا قَالَ إِنَّ اللَّهَ حَدَّ فِي الْأَمْوَالِ أَنْ لَا تُؤَخَذَ إِلَّا مِنْ جِلْهَافٍ فَمَنْ أَخَذَهَا مِنْ غَيْرِ جِلْهَافٍ قُطِعَتْ يَدُهُ حَدًّا لِمَجَاوَزَةِ الْحَدِّ وَ إِنَّ اللَّهَ حَدَّ أَنْ لَا يُنْكَحَ النِّكَاحُ إِلَّا مِنْ جِلْهِ وَ مَنْ فَعَلَ غَيْرَ ذَلِكَ إِنْ كَانَ عَزَبًا حَدَّ وَ إِنْ كَانَ مُحْصَنًا رُجِمَ لِمَجَاوَزَتِهِ الْحَدِّ.<sup>۳</sup>

۱. تهذیب الأحكام ۱۰: ۳.

۲. وسائل الشیعة ۲۸: ۱۵.

۳. وسائل الشیعة ۲۸: ۱۵.



جلسه: ۴۳  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت، امام صادق علیه السلام تعبیر «جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَدَّ حَدًّا» را به کار برده و در تبیین آن فرموده اند: حدّ اموال این چنین است که از راه‌های حلال به دست آورده نشود و کسی که مال حاصل شده از راه حرام را بخورد، از حدّ الهی تجاوز کرده است و حدّ او این است که دست او قطع شود. در باب نکاح نیز حدودی تعیین شده است و لذا نباید زنا صورت گیرد و کسی که مرتکب آن بشود، در صورتی که مجزّد باشد، حد زده می‌شود، اما اگر متأهل باشد، رجم می‌شود. سند این روایت دچار اشکال است؛ چون عمرو بن قیس دارای توثیق نیست و ابن دبیس نیز مهمل است.

### د: روایت عمرو بن قیس

وَ عَنْهُ [محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ قَيْسِ الْمَاصِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ - (وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ عَلَيْهِ ذَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ) <sup>۱</sup> وَ جَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى الْحَدَّ حَدًّا. <sup>۲</sup>

مفاد این روایت شبیه روایت پیشین است و به لحاظ سندی نیز دچار اشکال است.

### ه: روایت سماعه

وَ [محمد بن یعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ كَانَ لَهُ حَدٌّ. <sup>۳</sup>

در این روایت نیز بیان شده است که تمام اشیاء دارای حد هستند و هر کسی که از این حدود تعدی کند، برای او حد وجود خواهد داشت. تنها مشکل سندی این روایت، اشتغال آن بر عثمان بن عیسی است که دارای توثیق است، اما از سران واقفه بوده است که عالماً و عامداً دروغ گفته است و با انکار امامت امام رضا علیه السلام، مذهب و وقف را اختراع کرده و اموال امامت را به امام رضا علیه السلام تحویل نداده است. البته نکته مهم در مورد عثمان بن عیسی این است که مرحوم نجاشی از نصر بن صباح نقل کرده است که عثمان بن عیسی توبه کرده است. در صورتی که توبه کردن او پذیرفته شود، مشکل روایت حل می‌شود؛ چون اگر واقعا توبه کرده باشد، مطالبی که به دروغ بیان کرده را بیان می‌کند و وقتی چنین مطلبی اظهار نکرده باشد، مشخص می‌شود که این روایت را به دروغ نقل نکرده است. اما اگر توبه او پذیرفته نشود، سند روایت دچار اشکال می‌شود.

به نظر ما قول نصر بن صباح حجت است و سند روایت مشکلی ندارد.

### جمع بندی روایات

تاکنون به روایات متعددی در زمینه تعیین حدّ و مرز برای همه اشیاء اشاره گردید که حداقل این است که یکی از روایات دارای سند صحیح است و مجموع روایات نیز مستفیضه هستند. این روایات أدله کسانی است که قائل به مجازات برای همه گناهان اعم از صغیره و کبیره هستند؛ لذا در

۱. این بخشی که در داخل پرانتز قرار داده شده، در برخی نسخ وجود ندارد، اما با توجه به تعبیر «وَ جَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى الْحَدَّ حَدًّا» و همچنین سایر روایات، به نظر می‌رسد این بخش از روایت نیز وجود داشته است و جزو روایت محسوب می‌شود.

۲. وسائل الشیعة ۲۸: ۱۶.

۳. وسائل الشیعة ۲۸: ۱۷.



جلسه: ۴۳  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

فعالیت‌های اقتصادی نیز هر اقدامی مانند احتکار، سرقت، خرید و فروش خمر و آلات قمار، معاملات ربوی و... که ممنوع و حرام باشد، دارای مجازات خواهد بود. بنابراین اسلام در تمامی ممنوعات خود دارای سیاست جزائی است و مجازات تعیین کرده است<sup>۱</sup> که باید توسط حکومت اجرا شود. البته مجری بودن حکومت اسلامی از مباحثی است که در مورد آن روایت هم وارد شده است و این امر برای جلوگیری از هرج و مرج در جامعه است.

لازم به ذکر است که تاکنون صرفاً وجود مجازات برای تخلف از حدودی که خود شارع تعیین کرده است، ثابت شد. اما ممکن است برخی از اقدامات از نظر شرعی دارای حدّ تعیین شده نباشد. به عنوان مثال گران فروشی از نظر شرعی حرام نیست و شارع از آن منع نکرده است و یا اینکه طبق برخی اقوال، احتکار حرام نیست و از طرف شارع برای آن حدّ تعیین نشده است، اما ممکن است حکومت اسلامی محدودیت اعمال کرده و از آن منع کرده باشد. در این موارد، جواز جرم انگاری از سوی حکومت اسلامی و اعمال مجازات نیاز به بررسی دارد. جهت دیگر برای بحث، اجرای سیاست جزائی اسلام توسط حکومت است.

جهت سوم نیز تعیین مجازات برای تخلفات است؛ چون در برخی از تخلفات اقتصادی در روایات به مجازات آن اشاره شده است. به عنوان مثال مجازات سرقت مشخص است و باید دست سارق قطع شود، اما مواردی از تخلفات وجود دارد که در روایات به حدّ آن اشاره نشده است که تعیین مجازات باید صورت گیرد. این سه مطلب نیاز به بحث و بررسی دارد. در حال حاضر بحث صرفاً در تبیین اقوال در مورد سیاست جزائی اسلام است که قول اول وجود مجازات برای مطلق تخلفات است. قول دوم در باب وجود مجازات برای تعدی از حدود این است که صرفاً گناهان کبیره دارای مجازات است. امام خمینی از فقهائی است که این نظریه را باب حدّ قذف مطرح کرده اند.<sup>۲</sup> البته ایشان در باب حدّ شرب مسکر قائل به نظریه اول شده و برای مطلق گناهان مجازات را پذیرفته اند.<sup>۳</sup>

۱. البته اینکه مجازات چه مصادیقی می تواند داشته باشد و حبس نیز از مصادیق آن محسوب می شود یا نمی شود، بحث دیگری است که باید در محل خود مورد بررسی قرار گیرد. در حال حاضر بحث از وجود اصل مجازات برای تخلفات است.

۲. در تحریر الوسیله آمده است: «کل من ترك واجبا أو ارتكب حراما فلا إمام علیه السلام و نائبه تعزیره بشرط أن یكون من الكبائر» تحریر الوسیله ۲: ۴۷۷.

۳. تحریر الوسیله ۲: ۴۸۱.